



یادداشت

محمدرضا محمدی

۳درصد اختلاف صدا و سیما و دولت و این همه هیاهو؟

در میانه جدال‌های رسانه‌ای اخیر، رئیس دانشگاه صداوسیما با استناد به نتایج پیمایش مرکز افکارسنجی «آراء» مدعی شده اعتماد مردم به صداوسیما از اعتماد آنان به دولت بیشتر بوده و از همین گزاره نیز برای تبیین بخشی از انتقادهای نزدیکان دولت از رسانه ملی استفاده کرده است. این ادعا، گذشته از جهت‌گیری سیاسی آن، از دو خطای اساسی در خواندن داده‌های افکار عمومی رنج می‌برد. براساس ارقام منتشرشده، میزان اعتماد «زیاد» و «خیلی زیاد» به صداوسیما ۲۸درصد و به دولت ۲۵درصد بوده است. در نظرسنجی‌های ملی، اختلافی در حد سه و واحد درصد، معمولاً در محدوده حاشیه خطای پیمایش قرار می‌گیرد و نمی‌توان آن را از نظر آماری تفاوتی معنادار دانست. بنابراین، این ارقام بیش از آنکه از «برتری اعتماد به صداوسیما» حکایت کنند، نشان می‌دهند سطح اعتماد اعلام‌شده به دو نهاد تقریباً نزدیک است و رئیس دانشگاه صداوسیما حتماً با این ملاحظات روش‌شناسی پژوهش، آشناست. معنادار نبودن این اختلاف، به زبان ساده، یعنی نمی‌توان مطمئن بود که این فاصله ۳درصدی واقعاً در میان کل جامعه وجود دارد. ممکن است اگر همین نظرسنجی با گروه دیگری از مردم و با همان روش تکرار شود، فاصله کمتر شود، از میان برود یا حتی جای دو عدد عوض شود. در چنین وضعیتی، تبدیل اختلافی کوچک و ناپایدار به یک نتیجه قطعی سیاسی، تحلیل علمی داده‌ها نیست؛ بلکه بزرگ‌نمایی گزینشی آماری است که توان اثبات ادعای مطرح‌شده را ندارد. اشکال مهم‌تر، به اصل مقایسه بازمی‌گردد. دولت و صداوسیما دو نهاد هم‌سنخ نیستند که بتوان رتبه اعتمادشان را بدون توجه به ماهیت وظایفشان در کنار یکدیگر قرار داد. دولت مسئول اداره مجموعه گسترده‌ای از امور عمومی است: اقتصاد، اشتغال، سلامت، آموزش، مسکن، امنیت، سیاست خارجی، خدمات عمومی و مدیریت بحران. طبیعی است که ناکامی یا نارضایتی در هر یک از این حوزه‌ها مستقیماً بر ارزیابی مردم از دولت اثر بگذارد.

دولت‌ها همچنین وارث مسائل انباشت شده در چند دهه گذشته‌اند و در شرایطی مانند تحریم، جنگ، محاصره اقتصادی و محدودیت منابع، با مطالبات گاه متعارض جامعه روبه‌رو می‌شوند. در مقابل، مأموریت اصلی صداوسیما اطلاع‌رسانی، آموزش و سرگرمی است. این سازمان از شبکه‌های متعدد، بودجه عمومی، امکانات گسترده فنی و انحصارهای قانونی برخوردار است و با بسیاری از دشواری‌های اجرایی دولت مواجه نیست. بنابراین پرسش واقعی این نیست که چرا اعتماد ۲۸درصدی به صداوسیما اندکی بالاتر از اعتماد ۲۵درصدی به دولت گزارش شده است؛ بلکه باید پرسید چگونه نهادی با این حجم از منابع، شبکه‌ها و اختیارات، تنها توانسته اعتماد زیاد و خیلی زیاد کمتر از یک‌سوم جامعه را بدست آورد.

در عین حال، این نقد نباید به دور تازه‌ای از منازعه میان دولت و رسانه ملی تبدیل شود.

کشوری که با جنگ، فشار خارجی و مشکلات جدی اقتصادی و اجتماعی مواجه است، بیش از هر چیز به تقسیم‌کار نهادی، انسجام عمومی و گفت‌وگوی مسئولانه نیاز دارد. تبدیل تریبون‌های عمومی به میدان تسویه‌حساب جناحی، نه اعتماد به دولت را افزایش می‌دهد و نه اعتباری برای صداوسیما می‌آفریند. دولت باید پاسخگوی عملکرد اجرایی خود باشد و صداوسیما نیز باید نقش حرفه‌ای خود را ایفا کند. مسئله اصلی، برنده شدن یکی از این دو نهاد در یک مقایسه آماری بی‌مبنا نیست؛ مسئله، بازسازی اعتماد عمومی به مجموعه نهادهای کشور است؛ اعتمادی که با ادعا، طعنه و رتبه‌سازی بدست نمی‌آید، بلکه محصول کارآمدی، صداقت و احترام به شعور مردم است.

خبر

پیکر مطهر خلبان قهرمان جنگنده سوخو۲۴ ایران امروز و فردا تشییع و خاکسپاری می‌شود

قیام ملت به احترام شهید جانفدا

سرویس سیاسی | شهادت امیر سرتیپ دوم مجید کاظمی، خلبان یکی از جنگنده‌های سوخو ۲۴ ایرانی که در جریان حمله ۱۱ اسفند سال گذشته، خسارت‌های سنگینی را به پایگاه العدید آمریکا در کشور قطر وارد کردند، با آزمایش‌های تخصصی و بررسی دی‌ان‌ای محرز شده و پیکر مطهر این شهید بزرگوار، پس از ماه‌ها دوری از خاک میهن، به کشور بازگشت. پیکر شهید قهرمان و جانفدا صبح دیروز وارد پایگاه هوایی شهید لشگری تهران شد و در مراسمی رسمی مورد استقبال فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش قرار گرفت. مراسم تشییع پیکر شهید خلبان کاظمی امروز پنجشنبه و فردا جمعه در شهر شیراز بوده و اقامه نماز بر پیکر مطهر شهید پس از نماز جمعه در حرم مطهر احمد بن موسی(ع) شاهچراغ و تشییع پیکر به سمت گلزار شهدا، روز جمعه ۹ مرداد ۱۴۰۵ انجام خواهد شد.

گفتنی است یازدهم اسفند سال گذشته و تنها دو روز پس از آغاز تهاجم آمریکا به کشورمان، دو فرزند بمب‌افکن سوخو۲۴ نیروی هوایی ارتش، در عملیاتی متهورانه، از پایگاه هوایی شهید دوران شیراز پرواز و پس از گذر از سد سامانه‌های شناسایی پیشرفته‌ومواضع راداری متعدد دشمنان، اقدام به بمباران پایگاه العدیدقطر متعلق به نیروهای آمریکایی کردند. در جریان حمله، خسارت‌های سنگینی به این پایگاه وارد آمد، اما عقاب‌های آسمان ایران در مسیر بازگشت، بر فراز خلیج فارس مورد اصابت سامانه‌های پدافند دشمن قرار گرفتند و از آن زمان تاکنون، تلاش‌ها برای احراز وضعیت چهار خلبان شجاع ادامه دارد.

هدایت جاوید | تنها ساعاتی پس از گام نهادن نخست‌وزیر بدشگون رژیم منحوس صهیونیستی به کاخ سفید و دیداروی بادونالد ترامپ، تنش‌ها در خاورمیانه دوباره به اوج خود رسید. زورآزمایی بر سر هرمز، تحکم خنجر یمنی در باب‌المندب و سخن گفتن طرف‌های مختلف از تفاهم اسلام‌آباد ادامه دارد، اما روز گذشته دو رویداد به ثبت رسید که بر آینده منازعه و چشم‌انداز جنگ اثرگذار است؛ نخست نادانی آشکار شیخ‌نشین‌های سعودی و اعلام همراهی عربستان در تجاوز آمریکا به عراق و هدف گرفتن مقرهای الحشدالشعبی است که می‌تواند با ایجاد رویارویی عربی – عربی، جبهه‌نبرد راگسترده‌تر کرده و دیگر جوشان منطقه را به سرحد انفجار برساند. دوم حمله یک‌طرفه ایران به پایگاه نیروهای آمریکایی در اردن بود که چنین ابتکاری از تغییر رویکرد تصمیم‌سازان ماوحرکت‌از وضعیت‌پدافندی – واکنشی، به تحمیل راهبرد آفندی – پیشدستانه به دشمن حکایت دارد.

حمله پیشدستانه به پایگاه آمریکا در اردن

ماجرایجوبی تنش‌زای حکام‌ریاض که مؤید سرسپردگی آن‌ها در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی است و می‌تواند منطقه را وارد خط مهیمی از بحران کند، در جای خود قابل بررسی است. اما آنچه در این گزارش زیر ذره‌بین است اقدام شجاعانه جمهوری اسلامی در هدف قرار دادن نظامیان دشمن است که بر قواعد جنگ اثرگذار خواهد بود. در این باره، فرماندهی نیروی هوافضای سپاه پاسداران با انتشار بیانیه‌ای ضمن تأیید هدف گرفتن پایگاه هوایی و فرماندهی مرکزی ارتش ایالات متحده در اردن با موشک‌های بالستیک، این مسئله را به ادامه شرارت‌های دشمن مربوط دانسته و این گونه برای یانکی‌هاخط‌ونشان کشید: «تا زمانی که اقدامات غیرقانونی و شرارت‌آمیز علیه منافع ما در جریان است، مقاومت هم‌ادامه دارد. تهدیدات مقامات آمریکایی و مداخلات غیرقانونی علیه منافع ما باید متوقف شود».

در پی آن برخی منابع از وقوع پنج انفجار مهیب در پایگاه سرفرماندهی ارتش آمریکا در اردن خبر دادند. با این حال سنگتام مدعی شدن نیروهای سپاه «در یک حمله غافلگیرانه» چندین موشک بالستیک شلیک کرده‌اند و تمام آن‌ها رهگیری و منهدم شده است! در نهایت ترامپ در گامی انفعالی، تهران را به تهاجم سنگین نظامی تهدید کرد.

راهبرد جنگی ایران تغییر کرده؟

با وجود تهدیدهای دشمن، سپاه دیروز همچنین در بیانیه‌ای دیگر با تأکید بر استمرار اعمال مدیریت کامل ایران بر تنگه

روزشمار جنگ | ۷ مرداد ۱۴۰۵

جنگ از دوره مکت خارج شد اما این بار با ترکیبی پیچیده‌تر؛ آمریکا و عربستان به عراق حمله کردند، ایران پایگاه آمریکا در اردن را هدف گرفت و ترامپ دوباره به زبان تهدید بازگشت

جنگ منطقه‌ای عمیق‌تر می‌شود

آرامش شکننده بود، نه توافق

همزمان با حملات عراق، سپاه اعلام کرد پایگاه آمریکا در اردن را با موشک‌های بالستیک هدف قرار داده است. اردن گفت پنج موشک را رهگیری کرده و ترامپ نیز از پاسخ سنگین سخن گفت. برخی تحلیلگران متفقندن ترتیب دقیق حملات هنوز روشن نیست؛ معلوم نیست حملات عراق پیش از شلیک ایران انجام شده یا پس از آن.همین ابهام، شکنندگی آتش‌بس اعلام‌نشده را نشان می‌دهد. واشنگتن از روزهای گذشته از «گفت‌وگوهای دوستانه» حرف می‌زد، اما همزمان با حضور نتانیاهو در کاخ سفید، حملات در عراق از سر گرفته شد. برای ایران، این هم‌زمانی یادآور همان نگرانی همیشگی است؛ آمریکا از توقف حملات برای مذاکره استفاده می‌کند یا برای تجدیدنیرو و آماده‌سازی دور بعدی جنگ؟

ایران طرح مسقط را نپذیرفت

در جبهه دیپلماتیک نیز ایران طرح عمان برای تقسیم برابر مدیریت هرمز را رد کرد. ایران پیشنهاد داده مسیر داخل آب‌های ایران کاملاً تحت مدیریت آن باشد و در بخشی از مسیر عمانی نیز نقش داشته باشد و هشدار داد در صورت رد این پیشنهاد، تنگه بسته می‌ماند. این موضع نشان می‌دهد ایران حاضر نیست زیر فشار نظامی، اختیار خود در هرمز را واگذار کند.

ایستگاه صد و پنجاه و سوم؛ منطقه علیه منطقه

جنگ از دوره مکت خارج شد، اما این بار با ترکیبی پیچیده‌تر. آمریکا و عربستان به عراق حمله کردند، ایران پایگاه آمریکا در اردن را هدف گرفت و ترامپ دوباره به زبان تهدید بازگشت. مهم‌ترین خطر این مرحله آن است که کشورهای منطقه، به جای محدود کردن جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، خود به مجریان آن تبدیل شوند. حمله به عراق نشان داد اگر این روند مهار نشود، جنگ دیگر فقط میان تهران و واشنگتن نخواهد بود؛ منطقه به‌تدریج علیه خودش مسلح می‌شود.

حمله به پایگاه نظامی آمریکا در اردن، نقطه عطفی

در راهبرد جنگی ایران است

از فاز دفاع به حمله



فدکترین نظامی تهران در دوره جدید تغییر کرده. آن‌ها به دنبال تعیین‌کنندگی در سرعت و روند رویارویی هستند و نمی‌خواهند صرفاً به تصمیم‌های اتخاذ‌شده در واشنگتن واکنش نشان دهند

آن‌ها را در دستور کار داشت. چنین سیاستی از حمله به پایگاه عین‌الاسد پس از شهادت سردار سلیمانی، هدف قرار دادن سرزمین‌های اشغالی در واکنش به حمله هوایی اسرائیل به کنسولگری ما در سوریه، دو جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه و حتی صحنه‌های تقابل اخیر با ایالات متحده قابل برداشت است. در همه رخدادهای ایران نخست‌ضربه‌ای در یافت کرده سپس

فراخبر

بررسی منطق فقهی اقدام در برابر تهدیدهای نظامی قریب الوقوع

چرا حمله پیشدستانه؟

می‌تواند از خسارت‌های بزرگ‌تر جلوگیری کند. آمریکا بر اساس این منطق، عملیات‌های متعددی را علیه کشورها و گروه‌های مختلف سامان داده و در بسیاری از مواقع از آن سوااستفاده کرده است.

از سوی دیگر حمله پیشدستانه در افواه عمومی به منزله جهاد ابتدایی تلقی می‌شود که در دوران غیبت محدودیت‌هایی دارد. هرچند مشهور فقها جهاد ابتدایی را تنها در زمان حضور امام معصوم(ع) امکان‌پذیر می‌دانند، اما از منظر برخی از فقها، نظیر آیت‌الله خویی و رهبر شهید انقلاب، در دوران غیبت نیز جایز است. با وجود این، حمله پیشدستانه به معنای دفاع پیشگیرانه علیه دشمنی است که بنابر شواهد قطعی، آماده حمله به کشور است. بنابراین ماهیت دفاعی این اقدام، آن را ذیل جهاد دفاعی قرار می‌دهد، نه جهاد ابتدایی؛ چراکه هدف، دفع تجاوز قریب‌الوقوع به‌جای انتظار کشیدن برای وقوع حمله و پذیرش خسارت‌های جبران‌ناپذیر است.

بنابراین بر مبنای جواز و حتی وجوب جهاد دفاعی، در صورت تشخیص خطر عقلایی و وجود قرائن قطعی برنامهریزی دشمن برای تجاوز، دفاع پیشدستانه برای دفع خطر قریب‌الوقوع و حفظ جان مسلمین و کیان اسلام، ضرورتی شرعی و عقلی است و ملاحظات معمول سیاسی و اقتصادی در برابر چنین مصلحت بزرگی رنگ خواهد باخت. علاوه‌بر قاعده «وجوب دفاع» قاعده «نهی سبیل» نیز بر این اقدام صحت می‌گذارد؛ چرا که اختیار جنگ و صلح نمی‌تواند در دست دشمن باشد و سایه جنگ و انتظار غافلگیری را بر جامعه اسلامی تحمیل کند. یعنی دشمن در اوج آمادگی حمله غافلگیرانه‌ای را آغاز کرده و با همان آمادگی امکان دفاع داشته‌باشد!

در این میان بیان امیرالمؤمنین علی(ع) تکان‌دهنده است که «اغزوهم قبل أن یغزوکم، فوالله ما غزی قوم قط یقر عفر دارهم [لا ذلوا]؛ پیش از آنکه بر شما یورش آورند، شما بر دشمن بتازید؛ چون به خداوند یورش کنید، هیچ قومی هرگز درون خانه‌اش مورد هجوم قرار نگرفت، مگر اینکه ذلیل شدند.

در مقام پاسخ، دشمن را زیر ضرب گرفته است.

راهبرد مذکور به نظر به‌طور واضحی دچار تغییر شده است. ایران سه هفته پیش و پس از تحرکات آمریکا برای ایجاد مسیر موازی در تنگه هرمز که از ساحل عمان گذر می‌کرد، با وجود خطر درباره آغاز جنگ گسترده، با استناد به مفاد تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، هدف قرار دادن شناورهای متخلف را آغاز کرد. این برای نخستین بار بود که جمهوری اسلامی نه در مقام پاسخ بلکه در گامی پیشدستانه به تنبیه دشمن اقدام می‌کرد. در ادامه چنین روندی، تهاجم موشکی به پایگاه‌های ایالات متحده در اردن که نمود روشنی از تغییر راهبرد جنگی و حرکت از موضع پدافندی به آفندی است معناپیدامی‌کند.

نمی‌گذاریم آمریکا تعیین‌کننده زمان جنگ و صلح باشد

چنین رویکردی از سخنان مقامات قابل برداشت است. همین سه روز پیش اسماعیل باقایی، سخنگوی وزیر امور خارجه در نشست خبری خود با اشاره ضمنی به این مسئله گفته بود: «آنچه برای ما تعیین‌کننده بوده امنیت ملی است. قطعاً ما هیچ وقت اجازه ندادند و نمی‌دهیم آمریکا تعیین‌کننده زمان جنگ و صلح باشد».

حمیدرضا حاجی‌بابایی، نایب رئیس مجلس نیز عنوان کرد: «نیاید اجازه داد ترامپ هر زمانی که بخواهد بجنگد و هر زمانی که خواست آتش‌بس اعلام کند. ایران باید پرقدرت بایستد و نگذارد آمریکا فعال مایشاء منطقه باشد». روند جاری مورد توجه محافل رسانه‌ای و تحلیلی صهیونیستی هم قرار گرفته. دنیس سیترونیوویچ، رئیس پیشین میز ایران در اطلاعات نظامی اسرائیل در مطلبی با عنوان «چرا ایران شلیک کرد؟»، درباره حمله دیروز جمهوری اسلامی نوشت: «دکترین نظامی تهران در دوره جدید تغییر کرده. آن‌ها به دنبال تعیین‌کنندگی در سرعت و روند رویارویی هستند و نمی‌خواهند صرفاً به تصمیم‌های اتخاذ‌شده در واشنگتن واکنش نشان دهند. ابتکار عمل تهاجمی راهی برای اثبات این است که تهران همچنان ابتکار راهبردی را در دست دارد. ارزیابی آن‌ها این است که اعمال فشار بیشتر، بر فرآیند تصمیم‌گیری در کاخ سفید تأثیری می‌گذارد». وی سپس با ردیف کردن ۶ گزاره نتیجه می‌گیرد: «حمله به اردن گواه دیگری است بر اینکه ایران قصد تسلیم شدن ندارد و نه از سر ناچاری، بلکه برای التماس برای مذاکره عمل نمی‌کند. برعکس، تهران آماده است تا ریسک‌های قابل توجهی را بپذیرد، زیرا رویارویی کنونی را نبردی سرنوشت‌ساز بر سر جایگاه منطقه‌ای خود و توانایی‌اش در شکل‌دهی به واقعیت امنیتی خاورمیانه می‌بیند».

فراخبر

بررسی منطق فقهی اقدام در برابر تهدیدهای نظامی قریب الوقوع

چرا حمله پیشدستانه؟

می‌تواند از خسارت‌های بزرگ‌تر جلوگیری کند. آمریکا بر اساس این منطق، عملیات‌های متعددی را علیه کشورها و گروه‌های مختلف سامان داده و در بسیاری از مواقع از آن سوااستفاده کرده است.

از سوی دیگر حمله پیشدستانه در افواه عمومی به منزله جهاد ابتدایی تلقی می‌شود که در دوران غیبت محدودیت‌هایی دارد. هرچند مشهور فقها جهاد ابتدایی را تنها در زمان حضور امام معصوم(ع) امکان‌پذیر می‌دانند، اما از منظر برخی از فقها، نظیر آیت‌الله خویی و رهبر شهید انقلاب، در دوران غیبت نیز جایز است. با وجود این، حمله پیشدستانه به معنای دفاع پیشگیرانه علیه دشمنی است که بنابر شواهد قطعی، آماده حمله به کشور است. بنابراین ماهیت دفاعی این اقدام، آن را ذیل جهاد دفاعی قرار می‌دهد، نه جهاد ابتدایی؛ چراکه هدف، دفع تجاوز قریب‌الوقوع به‌جای انتظار کشیدن برای وقوع حمله و پذیرش خسارت‌های جبران‌ناپذیر است.

بنابراین بر مبنای جواز و حتی وجوب جهاد دفاعی، در صورت تشخیص خطر عقلایی و وجود قرائن قطعی برنامهریزی دشمن برای تجاوز، دفاع پیشدستانه برای دفع خطر قریب‌الوقوع و حفظ جان مسلمین و کیان اسلام، ضرورتی شرعی و عقلی است و ملاحظات معمول سیاسی و اقتصادی در برابر چنین مصلحت بزرگی رنگ خواهد باخت. علاوه‌بر قاعده «وجوب دفاع» قاعده «نهی سبیل» نیز بر این اقدام صحت می‌گذارد؛ چرا که اختیار جنگ و صلح نمی‌تواند در دست دشمن باشد و سایه جنگ و انتظار غافلگیری را بر جامعه اسلامی تحمیل کند. یعنی دشمن در اوج آمادگی حمله غافلگیرانه‌ای را آغاز کرده و با همان آمادگی امکان دفاع داشته‌باشد!

در این میان بیان امیرالمؤمنین علی(ع) تکان‌دهنده است که «اغزوهم قبل أن یغزوکم، فوالله ما غزی قوم قط یقر عفر دارهم [لا ذلوا]؛ پیش از آنکه بر شما یورش آورند، شما بر دشمن بتازید؛ چون به خداوند یورش کنید، هیچ قومی هرگز درون خانه‌اش مورد هجوم قرار نگرفت، مگر اینکه ذلیل شدند.

تهدید بالقوه نیست؛ بلکه کارتی پرقدرت و هم‌تراز سلاح هسته‌ای است.

جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا گفته‌را حل نظامی برای باز کردن تنگه وجود ندارد و ایران با پهنادهای ارزان می‌تواند آن را بسته نگه دارد. این اعتراف از زبان یکی از مقامات ارشد آمریکا، نشانه روشنی از جایگاه بازدارندگی بوده که در این معادله بدست آمده است. رژیم اسرائیل این بار با زیرکی توانست هزینه رویارویی با ایران را بر دوش آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس بگذارد. جمهوری اسلامی نیز در سوی مقابل، با پافشاری بر حق حاکمیت قانونی خود بر هرمز نشان داد بازدارندگی بر خاسته از اقتدار ملی می‌تواند مؤثرتر از هر معادله دیپلماتیک عمل کند.

جنگ می‌دانند. دوم اینکه تشدید تنش در خلیج فارس اساساً به مسیر کشتیرانی و اقتصاد جهانی محدود نیست، بلکه تهدیدی مستقیم‌متوجه صهیونیست‌ها نیز بوده اما پیامدهای رسانه‌ای و بازخورد افکار عمومی در سطح جهانی مانع بیان آن می‌شود. سوم، هزینه سنگین مالی و رسانه‌ای دو دور پیش تجاوزها که رد پایش را در همان نظرسنجی‌ها دید.

این برداشت را باید محتمل در نظر گرفت، چون بر پایه اظهارنظر مقامات و گزارش خبری است، نه سندرسمی.

اما در دیدگاه ما نکته‌ای که در گزارش‌های عبری و غربی تکرار شده، این است که اعمال حق حاکمیت و کنترل ایران بر تنگه هرمز دیگر یک شعار یا